



۲۰۲۰/۰۳/۲۱

پورتال افغان جرمن آنلاين

تبصره ای بر نوشته اخیر رنگین دادفر سپنتا در روزنامه 8 صبح

اخیراً رنگین دادفر سپنتا در روزنامه 8 صبح مضمونی را انتشار داده است که در پایان این تبصره درج شده است. آقای سپنتا در این مضمون اراجیف زیادی را خاردسته کرده است که بر عده ای از آنها در ذیل پورتال افغان جرمن آنلاين مکت کرده است توجه تانرا با آن جلب می کند. البته اشتباهات املائی و انشائی مقاله سپنتا نادیده گرفته می شود.

- در بخش نخست مقاله آقای سپنتا به شکست ایدئولوژی "نو محافظه کاران" امریکائی پرداخته و آنرا به باد انتقاد می گیرد.

تبصره:

– آقای سپنتا زمانی که وزیر خارجه دولت کرزی بود، بارها گفته و نوشته بود که "در عصر سیطره "نو محافظه کاران" که جهانی شدن سرمایه و تولید را در قبال دارد، مقوله های آزادی، استقلال، حاکمیت سیاسی، تمامیت ارضی و غیره معنی خود را از دست می دهند. لذا افغانستان باید در صحنه تمثیل جهانی جایگاه خود را پیدا کند و از اهداف فوق الذکر بگذرد. لکن اینک بعد از زهر چشم که خلیزاد چند روز پیش به سپنتا نشان داد، افکار او تغییر کرده و در پی انتقاد از سیستم لیبرالیزم نو به رهبری "نو محافظه کاران" برآمده است.

- **سپنتا می نویسد: "اما واقعیت سرسخت نشان داد که تیوری «بحران خلاق» ساحت بزرگی از جهان ما را به آتش و خون کشاند و ویرانی های بسیاری را موجب شد و در کشور ما در فرجام کار طالبان به نیروی سیاسی قابل قبول ایالات متحده و برخی از کشورهای دیگر ارتقا یافتند." سپنتا ادامه می دهد: "ایالات متحده امریکا خروارها تن بمب و آتش را بر مردم افغانستان فروریخت."**

تبصره:

– آقای سپنتا! زمانی که وزیر خارجه بودید و امریکائیا هر روز گوشه و کنار مملکت ما را بمباران می کردند و خوشی های معمولی مردم را به خاک و خون می کشیدند، شما از خوش خدمتی دست از پا نمی شناختید و پیوسته می گفتید که "ایالات متحده امریکا دوست استراتژیک ماست". بر این تصویر تان خیره شوید که جنرال امریکائی ویرانهائی را که در گوشه ای از وطن بر اثر بمباران به وجود آورده اند، چگونه برای وزیر خارجه تطمیع شده گزارش می دهد. در آن زمان وجدان خوابیده شما کجا بود؟ چرا در آن وقت اعتراض نکردید؟ حالا که از خوان امریکا رانده شده اید، لب به اعتراض می گشائید؟

سپنتا چنان وانمود می کند که گویا در زمان حاکمیت آنها مملکت گل و گلزار بود و اینک با افتادن آنها از قدرت بلائی بر سر ملت آمده است. آیا شما با ولی نعمت تان آقای کرزی به پیشواز طالبان در ماسکو و دوحه نرفتید؟ و حتی در ماسکو به پیشنمازی طالبان خون آشام اقتداء ننمودید؟ و در دوحه هر شب در اطاق خلوت طالبان مجالس گرم نداشتید؟ آیا این شما و چند گمراه دیگر مانند شما نبودند که در بدل گرفتن سفر خرج های دالری به طالبان اعتبار و مشروعیت دادید (چیزیکه عیان است و نهان نیست).

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاډوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په څير و لولئ



حالا چرا از ولینعمت بزرگتر تان گله دارید؟ که گویا "طالبان به نیروی سیاسی قابل قبول ایالات متحده و برخی از کشورهای دیگر ارتقا یافتند." آقای سپینتا حتی با گلبدین و تنظیمهای اسلامی ساخت استعمار روابط تنگاتنگ دارد. آیا گلبدین و سایر تنظیمهای جهادی خیانت و جنایتی کمتر از داعش و طالبان کرده اند؟ آیا در همین سالهای اخیر حملات متعددی را که گلبدین انجام داد و صد ها آدم بیگناه را به کام مرگ فرستاد و نامش را مطابق اوامر اسلام خود ساخته، استشهد گذاشت، کمتر از فعل و انفعالات داعش و طالبان است؟ آقای سپینتا با جمیع جنایتکاران دولتمدار سر و سر نوکرمنشانه تنگاتنگ دارد.

● **سپینتا نوشت:** "روزگاری که ما به این توهم وحشتناک و این کژاندیشی استراتژیک گرفتار بودیم که ایالات متحده همکار استراتژیک افغانستان است با این کشور بر علاوه مواد دیگر روی متنی توافق کرده بودیم.

تبصره:

— آقای سپینتا شما در آن روزگار که وزیر خارجه بودید به چنین توهم وحشتناک گرفتار نبودید و حالا هم نیستید، بلکه این وظیفه ای بود که بخشی از سازمان های جاسوسی امریکا بر عهده شما که چاکر کزری بودید گذاشته بود و شما آنرا بسیار چاکرانه در عمل پیاده کردید. در آن زمان از خوش خدمتی های تان گوش فلک را کر کرده بودید و پیوسته مثل اسپ شیهه می کشیدید که **توافقنامه امنیتی و توافقنامه همکاری استراتژیک با امریکا را شما آماده و هر بند و جز آنرا دقیق ارزیابی کرده اید.** چه شد؟ که حالا همه چیز برهم خورد و موضع شما یک چرخش 180 درجه ای به خود گرفت. بدون شک اگر شما از خوان امریکا رانده نمی شدید یعنی میخ پنجم به شما فرو نمیرفت، چنین چرخشی هرگز پدیدار نمی گشت. سپینتا با آگاهی کامل بر اصول الفبای کار سیاسی می دانست که با رسیدن به وزارت خارجه، جزء یک سیستم سیاسی می شود که سنگ بنای آن بر خیانت و جنایت و وطنفروشی استوار است. لاکن او به این همه شرمساریها قبلاً گردن گذاشته بود تا برین مسند مفتخرانه تکیه بزند.

● **سپینتا ادامه می دهد:** "با اندوه باید پذیرفت که مساعی دموکراسی خواهان و جانب داران ایجاد یک دولت قانون مدار و متعهد به ارزش های دموکراتیک و جمهوری خواهانه تداوم نیافتند."

تبصره:

— آقای سپینتا! شما که گاهی خود را استاد پوهنتون آخن و زمانی شاگرد مکتب فرانکفورت و در یک وقت دیگر عقل کل می خواندید، نمی دانستید که چنین توقعات از استعمار بی رحم بی جاست؟ آیا نمی دانستید که اندونیزیا و سوکارنو، ایران و داکتر مصدق، عراق و کریم قاسم، کانگو و پاتریس لوممبا، لیبیا و قذافی و ... چه جنایتی بمقابل بشریت انجام داده بودند که به خاک و خون کشانده شدند. جز آنکه اینها میخواستند اقتصاد ملی خویش را انکشاف دهند. ویرانیهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و تهدید وینزویلا و غیره واقعیات جهانی حس ادراکی شما را با چهار میخ قدرت کور کرده بود که شما چنین انتظاری را داشتید و هنوز دارید و از ظلمتکده توقع نور می نمائید. آنهم درین روز های دشواریکه به همت چند عنصر ملی افغانستان در حالت ساختن است و تمام دشمنان مثل شما علیه آنها پارس و زوزه می کشند ولی شما با بی شرمی مردم را نادیده گرفته در کنار استعمار کار سقوی را تکرار می کنید.

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

- **سپنتا می نویسد:** "سیاست‌های نادرست دولت‌مردان افغانستان و سیاست‌های استعماری کشورهای غربی و ویرانگری‌های برخی از کشورهای منطقه" باعث این ناکامی شد.



تبصره:

- آقای سپنتا! شما مگر با این همه دولت‌مردان کاسه لیس و مزبور هم پیمان نبودید؟ آیا شما دست‌های یکی از فاسدترین دولت‌مداران یعنی صیغت الله مجددی را که اسلاف اش به اشاره استعمار نهضت امانی را تار و مار کردند با چه اعتقاد و احترام در حال خضوع و خشوع نه بوسیدید؟ آیا شما برخلاف عنعنات ملی بوتهای سیاف جنایتکار را پیش پاهایش نگذاشتید؟ و آیا در عقب ملای خون آشام طالبان اقتدای نماز نکردید؟ و دست به دهها خیانت و بی‌مایه‌گی دیگر نزدید؟ همچنین در برابر سیاست‌مداران کشورهای غربی عشوہ گری کرده و از آنها ستایش نمی‌کردید؟

چه شد؟ که حالا از آنها انتقاد می‌نمائید. چرا فراموش کردید که حتی محاکمه جنایتکاران جنگی را به امنیت افغانستان خطرناک جلوه دادید و در مرگ بدترین قهرمان نفاق افکن ملی مرثیه خواندید و در هجران او اشک افسوس ریختید. غافل از اینکه تمام نفاق ملی امروزه نتایج تلاشهای او به اشاره دشمنان وطن بود و است. علاوه بر این کسی را نماینده سازمان ملل منسوب نمودید که منشاء تمام بدبختی‌های کنونی از حزب تخریب‌گر آنها مایه می‌گرفت و با ایجاد پولیگونها مسئولیت کشتار صد ها هزار افغان را چون طوق لعنت به گردن دارند، همچنان به درگاه شورای نظار (نزار) و ائتلاف شمال بارها با خضوع و خشوع سرخم نکرده اید؟

- **سپنتا نگاشت:** "و این به همان شدت که میهن‌پرستان افغانستان از تهدیدها و اغواهای نماینده‌گان این کشور (خلیلزاد) هراسی به دل راه نداده و مبارزه برای استقلال و آزادی و عدالت را همچنان ادامه خواهند داد"

این گفته سپنتا بر می‌گردد بر صحبت‌های او با خلیلزاد که چند روز قبل بین آنها یک جنگ زرگری عوام‌فریبانه اتفاق افتاده بود.

تبصره:

- و این در حالیست که سپنتا بارها در برابر خلیلزاد به مدافعه و چاپلوسی و بوت‌پاکی خم و چم کرده است و با او در گرمابه و میخانه (پس چه جی) یا سیاهی لشکر بوده است. مخصوصاً در زمانی که سپنتا وزیر خارجه دولت دست‌نشانده کرزی بود. اختلاف ساختگی وی با خلیلزاد زمانی آغاز یافت که امید بر سر قدرت آمدن دوباره کرزی را خلیلزاد نفی کرد.

این همه خودنمایی‌های ظاهراً ملی‌گرایانه و در واقع دروغین سپنتا و دار و دسته کرزی، نه بخاطر منافع مردم و حراست از سرزمین افغانستان است، بلکه برای چانه زنی با ارباب‌شان یعنی با سازمان‌های جاسوسی امریکا میباشد تا نقش مجدد آنها در بازیهای خائنانه دگر و در نهایت در بازگشت به قدرت امید دارند.

سپنتا زمانی که وزیر خارجه بود در ملاقاتی به "کوندلیزا رایس" وزیر خارجه امریکا گفته بود که: "او از جانب مردم افغانستان از امریکا تشکر می‌کند که افغانستان را از قید اسارت روس آزاد کرده است." پس خون یک و نیم میلیون افغانی که در جنگ ضد روسی ریختانده شد بنظر رنگین‌رنگ باز به خاطر استقلال کشور نبوده که سپنتا آن ارزش ملی را فراموش میکند و بجای آن از امریکا تشکر مینماید، زهی خیانت و وطن‌فروشی! سپنتا در یک مصاحبه تلویزیونی می‌گوید که "آقای جو بایدن معاون ریاست جمهوری سابق امریکا در ضیافتی در کابل گفت که: "پاکستان برای امریکا 50 مرتبه بیشتر از افغانستان اهمیت دارد." و در عین گفتن این سخنان دستمالش را به روی میز بکوفت و غضب اش را نمایان ساخت." پس جا دارد سؤال شود که اگر از گفته‌های

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

نمایندگان امریکا هر اسی به دل ندارید، چرا در آن زمان علیه جو بایدن اعتراضی نکردید؟ اینجا واضح می شود که نیروی غایبه ای در پشت سخنان شما وجود دارد که شما را چپ و راست میرقصاند.

- **سپنتا** چنین ادامه می دهد: " امریکا اگر از سویی طالبان را به دولت واقعاً موجود ارتقا داده است از سویی دیگر دولت افغانستان را به یک دستگاه دست‌نشانده و عملاً به یک گروه متخاصم و فاقد حق حاکمیت تقلیل داده است.

تبصره:

– سپنتا می کوشد مثل همیشه به چشم مردم خاک بزند و حقایق را ماست مالی نماید. ازینرو در جمله بالا چنان وانمود می کند که دولت کرزی که سپنتا سمت وزارت خارجه آنرا به عهده داشت، گویا دست نشانده نبوده ؟؟؟ سپنتا عمداً تجاهل می کند که گویا کرزی و دار و دستۀ فاسد او را امریکائیاها بر کرسی قدرت نصب نکردند و آنها به نیروی خود دولتمدار شدند در حالیکه هر اجد خوانی میداند که حکمران اصلی کشور ما سفارت امریکا بود و هنوز هم بد بختانه است و شخص سپنتا را سازمان جاسوسی امریکا که از گذشته های دور با وی روابط حسنه پیدا نموده بود و از بی همتی او خبر داشت که در برابر پول حاضر به هر نوع معامله گری است به همین لحاظ مثل هزار اوباش که توسط امریکا به قدرت رسانیده شدند، آقای سپنتا نیز مورد نظر آنها قرار گرفت. زمانی که سپنتا عضو یکی از اتحادیه محصلین در آلمان بود از کیسه سازمان های کوچک جاسوسی که برای امریکا کار میکردند پول را برابر به جاغورش با "نجیب روشن" بنام اتحادیه ساده محصلی بدست آورده بود. بدبختانه همان پول که حیف ومیل رهبری اتحادیه شد و از جانب دیگر این پول سرخور اتحادیه ای محصلی نیز گردید و دروازه آن اتحادیه تا امروز بسته شد.

اگر امریکائیاها طالبان را مشروعیت دادند برده دار آقای سپنتا یعنی آقای حامد کرزی سالهای متمادی طالبان را که مردم بیگناه را طبق برنامه امریکا کشته می رفتند، به برادری فرا می خواند و تعداد کثیری از خون آشام ها را از زندانها رها کردند.

- **سپنتا** در مورد متن توافقنامه میان ایالاتمتحده و طالبان مطالبی را نوشته است که حتی برای نابینایان سیاسی قابل رؤیت است. او می خواهد این توافقنامه را که در واقع یک سند اسارت بار است به زعم خودش نیک تحلیل می کند.

تبصره:

– آقای سپنتا و برده دارش حامد کرزی در کنفرانسهای طالبان در ماسکو و دوحه مفتخرانه اشتراک کردند و همیشه در تلاش آن بودند تا راه را برای قدرت گیری طالبان هموار نمایند. کرزی و دارودسته اش رویای یک حکومت مؤقت را در سر می پروراندند و این خواست در حقیقت خواست امریکا بود که اجرای آن بدست پاکستان با مهره های طالبان ترسیم میشد. حالا که این رؤیا شکسته، آقای سپنتا یاوه گوئی را به فرمان کرزی و کرزی بفرمان جناح های مخالف ترامپ چه شجاعانه! آغاز کرده است.

- **سپنتا** در بخش دیگری از مقاله اش چنین می نویسد: " هر کسی که بخواهد درباره ی این مواد (توافقنامه میان ایالاتمتحده و طالبان) پرسش های انتقادی مطرح کند از جانب نمایندگان امریکا تهدید می شود و زور و قدرت امریکا به رخ کشیده می شود. تهدید حقوق بگیران و صاحبان ثروت های افسانه ای و سیاستمداران فاسد و زراندوز شاید موثر واقع شود اما در قیاسی با سخن آن اندیشمند نامدار آلمانی، وطن پرستان بجز از اسارت شان در این پیکار چیزی ندارند که از دست بدهند."

تبصره:

– آقای سپنتا در جملات بالا چندین دروغ و بهتان را می سازد توجه بفرمائید به نکات ذیل:

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

- اول اینکه دولتمداران افغانستان که همه آنها به شمول آقای سپینتا نوکران زرخريد دشمنان اصلی افغانستان اند، هرگز جرأت انتقاد در برابر آنها را ندارند و چون برده های زرخريد عمل می کنند، چه رسد به اینکه در برابر ارباب خود انتقاد نمایند. (حد غلام باشد)
- دوم اینکه آقای سپینتا خودش را وطن پرست می خواند و این در حالیست که او قهرمان وطنفروشان است و این اظهر من الشمس است.
- سوم اینکه آقای سپینتا جرأت آنرا ندارد که از پیشوای تفننی اش کارل مارکس مستقیم نام بگیرد، اما برای فریب دوستانش می خواهد او را زیر نام "**اندیشمند نامدار آلمانی**" ستر و اخفاء نماید.
- چهارم اینکه این گفته کارل مارکس که "کارگران در این انقلاب چیزی جز زنجیرهای خود را از کف نخواهند داد." خطاب به کارگران جهان بود و نه به یک روشنفکر ذلیل و بی مقدار مانند سپینتا که در حقیقت ذلت مغروق است. او در مصاحبات و مقالات و در توبه نامه های متعدد خویش اعتقادات مارکسیستی خود را ناشی از احساسات نوجوانی دانسته و خبط و خطاها و بیعقلیهای دگر ایام نو جوانی اش را نیز به پای همین دوره حساب می کند. لاکن اینک بعد از توبه نصح! میخواهد دوباره به مارکس بر گردد. (یعنی بجای عوامفریبی اینبار میخواهد خواص فریبی کند؟؟؟)
- پنجم اینکه آقای سپینتا را تا زمانی که در کرسی وزارت خارجه نشاندند بودند و هر صبح و شام با بادران امریکائی خود خورد و نوش داشتند، از اسارت چیزی نمی گفتند، ولی حالا که از قدرت رانده شده است، میخواهد هویت جدید را برایش بسازد.
- ششم اینکه آقای سپینتا ادعا می کند که گویا چیزی ندارند که از دست بدهد. باید از ایشان سوال کرد که بسته های دالر را که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور ایران در بازگشت تان از آن کشور در زیر بغل تان داد کجا شد؟ و آن پولهای کلان را که سازمان های جاسوسی در اختیار تان قرار داد در کجا جابجا کردید؟ برای توضیح این مطلب بهتر است که از زبان بادر سپینتا یعنی حامد کرزی بشنویم، چنانکه کرزی گفت "**کمکی را که امریکا می کرد ما افشاء نکردیم، خود امریکا افشاء کرد، کمک خود را که بسیاری به دفتر مشاوریت امنیت ملی افغانستان (یعنی دفتر سپینتا) کمک می کرد. (برای دیدن بخشهایی ازین مصاحبه به لینک ذیل مراجعه کنید.)**

<https://www.youtube.com/watch?v=92pYA-EkUHE>

- **سپینتا** ادامه می دهد: "تا حال در دنیا دیده نشده است که کشوری با «متحد استراتژیکش» که از یک سو به آن وعده دفاع مشترک در برابر تهدیدها و تجاوزهای خارجی داده باشد و از جانب دیگر با گروههای در حال جنگ با آن در غیاب مردم آن کشور توافق کند و دستههای جنگی را در سطح دولت‌های واقعاً موجود ارتقا دهد."

تبصره:

— سپینتا که خودش را استاد پوهنتون حقوق سیاسی و عقل کل می خواند، لاکن هنوز اجدد سیاست را نمی داند که استعمار نه دوست دائمی دارد و نه دشمن دائمی، بلکه منافع دائمی دارد. و هر زمانی که این منافع ایجاب بکند، جبهه عوض می کند و هر نوکری که تاریخ مصرف آن گذشته باشد، آنرا دور می اندازد مانند رضا شاه در ایران، ضیالاحق و سفیر امریکا در پاکستان، معمر القذافی در لیبیا، حامد کرزی و جناب شما در افغانستان و دهها نوکر و مزدور دیگر.

- **سپینتا** از قول خلیل‌زاد چنین ادامه می دهد: "ایالات متحده برای ورود و یا خروج به هر کشوری نیاز به اجازه نامه ندارد." **سپینتا** می گوید: "**لب مطلب و جان انتقاد بر سیاست‌های ایالات‌متحده در همین جا است. ایالات متحده خودش را متعهد به حقوق و موازین بین‌المللی و احترام به حق حاکمیت کشورها و عدم مداخله در امور آنها نمی‌داند.**

تبصره:

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

- این موضوع روشنتر از آفتاب است. زمانی که ایالات متحده آمریکا بر عراق حمله می کرد، سازمان ملل متحد به شمول شورای امنیت چنین مجوزی را برای آمریکا ندادند، لکن آمریکا حمله را آغاز کرد. آمریکا عین این کار را در یوگوسلاویا، لیبیا، سوریه، افغانستان و جاهای دیگر نیز انجام داده بود. همچنین آمریکا بارها از سیاستهای متجاوزانه اسرائیل در برابر فلسطینیان پشتیبانی کرده، در حالیکه سازمان ملل متحد اینگونه تجاوزات را محکوم کرده است. بنابراین کشف آقای سپینتا مطلب نو نیست، بلکه واقعیتی است آشکار و انکار ناپذیر که جهانیان آنرا خوب می دانند و اینک آقای سپینتا تازه بر آن واقف شده است. "جهان دانست، ندانست گل محمد!

• **سپینتا مقاله اش را با این جمله به پایان می رساند: "اما توهم رسیدن به ثبات و عدالت اجتماعی با تکیه بر قدرت های سلطه گر به زودی در هم شکست و اشتباه عمیق و وحشتناک سیاسی ما آشکار شد."**
تبصره:

- **ایکاش این اشتباه سیاسی می بود که در قبال آن صد ها هزار افغان به هلاکت نمی رسیدند و سرزمین سوخته در آتش باقی نمی ماند. لکن این خیانت تاریخی بود که به اصطلاح روشنفکران و دولتمداران افغانستان مانند آقایان کرزی و سپینتا و سائرین مزدوران بیگانه مرتکب آن شدند و این همه مصیبت و بدبختی را همچون نمک بر زخمهای کشور زخمی خود پاشیدند. این خیانت تاریخی هرگز قابل بخشایش نیست. بقول عوام: نامردی ومردی قدمی فاصله دارد.**

علاوه بر این اعتراف، چنین "توهم وحشتناک سیاسی" نه از راستکاری برمیخیزد و نه هم صداقت سپینتا را نشان می دهد که گویا در برابر آمریکا قد علم کرده باشد، بلکه به تضمین از جناهای انتخاباتی بخش متخاصم ترامپ است که سپینتا علیه حکومت آمریکا بدون هراس گفته های آنها را طوطی وار تکرار میکند، زیرا مذمت کرزی جای را نگرفت اینبار سخنان سپینتا را آزمایش می کنند. بدون شک دلک های سیاسی مثل سپینتا (ابن الوقت) بر باور های امروزی خود مثل همیشه خط بطلان خواهد کشید و از نو به نوکری ارباب تازه بدوران رسیده خواهد شتافت و آنگاه از عقب عینک آمریکا بر این جهان خواهد دید. مردم چه خوب گفته اند که "آزموده را آزمودن خطاست" و بعد از خرابی چهار زانو نشستن بیجاست. **عصبانیت سپینتا از درد میخ پنجم است، نه از درد مردم.** (به لینک ذیل مراجعه گردد)

<http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha PDF/kabir q mekhee shashoom spanta khuram faizi.pdf>

اینهم متن مکمل مقاله آقای رنگین دادفر اسپینتا در روزنامه 8 صبح:

<https://8am.af/us-peace-and-the-illusion-of-the-afghan-political-class>

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ